

تاریخ تکامل فلسفه

نویسنده: دکتر علی شریعتی

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : تاریخ تکامل فلسفه / نویسنده علی شریعتی
مشخصات نشر : تهران: چاپخش، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری : ۲۴ ص.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۴۱-۶۲-۸
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
موضوع : فلسفه -- تاریخ.
رده‌بندی کنگره : ۱۳۸۹: ۲۲: ۷: ۲۳۳ BP
رده‌بندی دیویی : ۲۹۷: ۲۸
رده‌بندی کتابشناسی ملی : ۲۰۸۰۷۸۸

به نام خدا

تاریخ تکامل فلسفه

نویسنده: دکتر علی شریعتی

حروغ‌چینی: مؤسسه بروجردی - لیتوگرافی: النوان

چاپ و صحافی: پژمان - نوبت چاپ: اول ۱۳۸۹ - شمارگان: ۳۱۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات چاپخش

ناشر برگزیده - عضو انجمن فرهنگی ناشران کتاب دانشگاهی

نشانی مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، پلاک ۱۲

انتشارات چاپخش تلفن: ۶۶۴۰۴۱۱۰ فاکس: ۶۶۴۹۳۴۷۵

صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۱۷۲۷

کلیه حقوق محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۴۱-۶۲-۸

به نام خدا

امروز ملل مسلمان جهان برای بازگرفتن سیادت و استقلالی که استعمار از چنگشان ربوده است به مبارزه‌ای خونین و آشتی ناپذیر برخاسته‌اند، از کرانه‌های نیل تا شمال آفریقا، آنجا که مسلمانان شیردل برای گسستن زنجیره‌های اسارت شهرها و خانه‌های خویش را رها کرده‌اند و در کوهستانها و دره‌ها سنگر گرفته و با شمشیر در برابر توپ و تانک و مسلسل و بمباران‌های پیاپی فرانسه مردانه ایستادگی می‌کنند. ایران، سرزمین دلیران و جایگاه پایه‌گذاران تمدن پر عظمت اسلام، عراق مظلوم و عربستان سوزان، اندونزی خونین و ترکان غیور همه جا را موج خونین از نبرد، نبرد چهارصد میلیون مردم مسلمان جهان برای راندن جنایتکاران و طماعان مسیحی و مادی و ازآله لکه‌های ننگ امپریالیسم سرخ و سیاه از دامن آزادی و استقلال خویش جان به کف گرفته‌اند و در همان سرزمینهایی که در عصر عظمت و اقتدار

اسلام جانبازان رشید مسلمان برای انتشار مکتب جهانی قرآن می‌جنگیدند به نبرد همه‌جانبه‌ای دست زده‌اند.

مسلمانان به این نکته پی برده‌اند که فرسنگها از حقایق قرآن و هدفهای اساسی اسلام دور افتاده‌اند و آنچه را که امروز اسلام می‌شناسند، مکتبی که محمد آورد و تمدن درخشان و بی‌نظیری را ایجاد کرد نیست، پیرایه‌های بسیاری بر آن بسته و با خرافه‌های بی‌شماری آلوده‌اش کرده‌اند، و نیز بخوبی درک کرده‌اند که علت اصلی این زبونی و پستی که به آن گرفتار شده‌اند چیست.

ما مسلمانان می‌دانیم که چرا کشورمان چنین تجزیه گردید و چرا ملت اسلام از هم پراکنده شد و چگونه اقتدار و سیادتیمان تبدیل به ضعف و زبونی گردید، اکنون در میان توده‌های مسلمان آسیا و آفریقا جنبشی ایجاد گردیده است و نهضت عمیقی بوجود آمده که هرگاه شرایط مساعدی یافته، بصورت‌های پرشکوهی ظاهر شده است و همه جا سخن از تحولی است که در سایه آن ملتهای مسلمان در زیر پرچم توحید دارای یک ملیت فکری و حکومت اسلامی گردند. این تحول اجتماعی بزرگ هنگامی میسر است که یک تحول فکری عظیمی بوجود آید و تمام مسلمانان از یک مکتب فلسفی و اجتماعی و سیاسی روشنی

پیروی کنند، زیرا مطالعه تاریخ تحولات و انقلابات سیاسی و اجتماعی قرون اخیر ثابت می‌کند که هر تحولی که به نتیجه رسیده و هر انقلاب اجتماعی که روی داده است ریشه فکری داشته و متفکرین و فلاسفه بزرگی آن را ایجاد کرده‌اند، انقلابات ۱۶۸۹ تا ۱۶۸۸ را میان ویکها^(۱) (مخالفین با شاه) و توری‌ها^(۲) (شاهپرستان) در انگلستان دو فیلسوف بزرگ لای^(۳) از حزب اول وهوبس^(۴) از حزب دوم بوجود آورده و عقاید سیاسی مردم را به صورت یک عقیده فلسفی بیان کرده بودند.

نهضت ناسیونال سوسیالیسم توسط فردریک فرمن ایجاد شد و از فلسفه کانت، فیخته، شلینک، و هگل الهام می‌گرفت، متفکرین بزرگی مثل آدام مولز، چمبرلن، هوستون شوارد، اسپنگلر، اتمان اسپان، استوکر، کارل لو، پل لاگارد، گولتر، روزنبرگ و غیره فلسفه نازیسم را تقویت کردند، فلسفه فاشیسم را

۱- نام گروهی از روستائیان انگلیسی است.

۲- توری به معنی راهزن است که مخالفین به شاهپرستان نسبت داده بودند.

۳- ولتر و والاک عاقل نامید. در ۱۳۶۲ متولد شد و طرفدار دموکراسی و مخالف با شاه بود.

۴- هوبس در ۱۵۸۸ متولد شد. شاهپرستی را رواج داد و دموکراسی را موهوم پنداشت و حکومت پادشاه مقتدر را جنبه فلسفی داد.

بنا به اقرار خود موسولینی ژرژسورل بیان کرد، شاعر بزرگ ایتالیا دانا نزیو فکر مردم را همراه با تحریک احساسات برای توسعه فاشیسم مستعد و فیلسوف ایتالیائی ژانتیل با وضع فلسفه ناسیونالیسم به این نهضت کمک شایان نمود.

نهضت سوسیالیسم را در جهان فلاسفه و متفکرینی مانند سن سیمون، فوریه، سه، رابرت اوون، ژرژسان، میشله، ویکتور هوگو، کارلیل، دیکنس، ویکتور کنیدران، پرودن لوئی بلان، شارل هارل، لوک، ژودبرتیس، لاسال، برنشتاین و دیگران بوجود آوردند و انقلاب کمونیسم زائیده طرز تفکر فلاسفه و نویسندگان بزرگی چون هگل، مارکس، انگلس، پله خانف، تولستوی و ماکسیم گورکی و انقلاب کبیر فرانسه معلول قلم و فکر منتسکیو، ولتر، روسو و امثال آنها بوده است.

اگر بخواهیم تمام انقلابات اجتماعی و تحولات سیاسی قرون جدید را یاد کنیم و فلاسفه و بزرگانی را که با ایجاد مکتب فکری بزرگی ملت خویش را برانگیخته اند نام ببریم سخن به درازا خواهد کشید. نهضت های استقلال طلبانه ملت های مسلمان نیز هنگامی به پیروزی خواهد انجامید که از اصول فکری معینی پیروی کرده و دارای یک مکتب اعتقادی باشند که در آن مسائل

فلسفی، اقتصادی اخلاقی، ملی، اجتماعی، سیاسی و غیره با روشنی بیان شده باشد، نکته اساسی اینست که کاخ این مکتب اعتقادی از مصالحی که اسلام در اختیار ما قرار داده است باید عمارت گردد و از تعالیم نجات بخش و مقدس قرآن مستقیماً برای طرح آن الهام گرفته شود. اگر روزی ملل مسلمان، یعنی همان زنان و مردانی که اکنون برای تجدید عظمت اسلام می جنگند برگرد یک محور فکری جمع گشته و دارای هدفهای مشخص اجتماعی باشند، بی شک نه تنها بسهولت خواهند توانست حریفان سرسخت و بی رحم را از سرزمین خود برانند بلکه قادر خواهند بود که نهضت خود را از خطر زوال برای همیشه مصون دارند و به ترقیات درخشانی نائل گردند و تمدن با عظمت گذشته را تجدید نمایند، پایه های این نهضت بر دوش فرد فرد توده مسلمان گذاشته شده و همین مردم ساده هستند که باید سیادت از دست رفته مسلمانان را به دست آورند، چنانکه همینها بودند که نهضت اسلام را در جهان با فداکاریهای بی شائبه خود تقویت نمودند. چهارده قرن پیش آئین محمد را عده ای برده، خرما فروش، شترچران و مزدوران پیروی نموده و جنبش جهانی اسلام را ایجاد کردند و امروز نیز مردم کارگر، زارع، کاسب اداری، دانشجو و

دانش آموزانی می‌بایست آن را احیاء کنند، آری همیشه جنبشها از میان توده برخاسته است، زیرا طبقات اشراف و هیئت حاکمه برای حفظ موقعیتی که دارند اغلب دامن محافظه‌کاری را رها نمی‌کنند و می‌کوشند تا در شرایط اجتماعی تحولی دست ندهند مبادا منافع بی‌شمارشان در خطر افتد، اگر گاهی یک یا چند نفر از این طبقه بانهضتهای محرومین و پاکبازان و مبارزین راه عقیده هم داستان شده‌اند بسیار استثنائی بوده است، اغلب دانشمندان و علما نیز به سبب شهرت و موقعیتی که کسب می‌نمایند رنگ اشرافیت بخود می‌گیرند و یا عده‌ای علم خود را برای حفظ منافع آنان استخدام می‌کنند، پس چاره‌ای نیست جز این که خود دست‌بکار شویم و تنها از دین خدا الهام گیریم و برای احیای آئین نجات‌بخش اسلام و تمدن درخشان از کف رفته خود بکوشیم و تحولی که سرپای اجتماع فعلی اسلام را دگرگون سازد و راه حقیقت و راستی را بازجسته و سعادت این جهان و جهانی را که پس از این در پیش داریم تأمین نمائیم و برای این کار اول باید خود را با سلاح قاطع علم مجهز کرده و طرح یک مکتب مترقی اسلامی را بریزیم.

مکتب اسلام، مکتب واسطه‌ای است که یکبار بشر بدان عمل

کرده و نتایج درخشانی گرفته است این روش را ما ابداع نکرده ایم، بلکه راهی است که در قرون طلایی گذشته کاروان تمدن با شکوه اسلام از آن عبور کرده و به سر منزل سعادت و ترقی رسیده است. برنامه مکتب واسطه اسلام را در سه فرمول زیر می توان خلاصه کرد:

از میان مکتبهای ماتریالیسم و ایده آلیسم اسلام روش مختص بخود دارد و آن را می توان رآلیسم نامید.

رژیم اجتماعی و اقتصادی اسلام سوسیالیسم عملی است که بر طرز فکر خداپرستی استوار می باشد و حد و سط میان دو رژیم فاسد کاپیتالیسم (سرمایه داری) و کمونیسم (اشتراکیت مطلق) می باشد.

روش سیاسی اسلام: از نظر بین المللی بین دو بلوک متخاصم شرق (به رهبری شوروی) و غرب (به رهبری آمریکا) پایگاه اسلام بلوک میانه ای است که به هیچ طرف بستگی نمی تواند داشته باشد، شجره طیبه ای است که نه شرقی است و نه غربی و پایگاه سومی است در میان دو قطب متضاد و شامل تمام کشورهای اسلامی می باشد.

مشهد - تیرماه ۱۳۳۴ - علی شریعتی

فلسفه

"اگوست کنت" می‌گوید: «تاریخ علوم نیز خود علوم است»، این امر در فلسفه هم صدق می‌کند. فیلسوف معروف دانمارکی "هوفدینگ" نیز معتقد است که: «همانطور که یک شخص را از تاریخ زندگی و شرح احوالش می‌شناسیم می‌بایست موضوعات معینی از مطالعات را بوسیله تاریخ آن دریابیم». و ما برای اینکه مباحث آینده را بر روی اصول استواری وضع کنیم ناچاریم که فلسفه را بشناسیم و برای اینکار بهتر است تاریخ آن را مطالعه کنیم. خود لغت فلسفه در این امر به ما کمک می‌کند.

لغت: "هراکلید دوبون"^(۱) شاگرد افلاطون واضع کلمه فلسفه

۱- کانتلیان. دیوژن، لاکرتیش نیز در این موضوع با هراکلید دوبون هم عقیده‌اند.